



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضوان الله عليه در مسئله ۳۹ از تحریر الوسيلة می فرمایند: «مسألة ۳۹ - لا يصح الوقف على الجهات المحرمة (زیرا وقف خودش یک امر خیر و فضیلت و دارای ثواب و اجر می باشد لذا با وقف بر جهات محرم جور در نمی آید و لازمه اش این می شود که از جهت اینکه وقف شده فضیلة باشد و از جهت اینکه بر جهات محرم وقف شده ردیلة باشد و این دو باهم قابل جمع نیستند) وما فيه إعانة على المعصية، كمعونة الزنا وقطع الطريق وكتابة كتب الضلال، وكالوقف على البيع (معبد يهود) والكنائس (معبد نصارى) وبيوت النيران (معبد آتش پرستان) لجهة عمارتها وخدماتها وفرشها ومعلقاتها وغيرها، نعم يصح وقف الكافر عليها (ولی ما می گوئیم چنین وقفی از طرف ما صحیح نیست)»<sup>۱</sup>.

در مورد بیع و کنائس باید عرض کنیم که در قران کریم گفته شده: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾<sup>۲</sup> یعنی اگر خداوند متعال جهاد را تشریع نمی کرد و بعضی از مردم یعنی کفار را بواسطه بعضی دیگر یعنی مجاهدین و مومنین دفع نمی کرد صوامع (جمع صومعه مکانی هرمی شکل که محل عبادت عُباد و زُهاد قبل از اسلام بوده) و بیع (جمع بیعه معبد یهود است) و صلوات (جمع صلاة و آن مصالای یهود است البته صلوات حال است ولی در اینجا اسم محل به حال داده شده) و مساجد همگی از بین می رفتند به عبارت دیگر اگر خداوند جهاد را تشریع نمی کرد دشمنان ادیان تمام مراکز و عبادتگاههای ادیان مختلف را از بین می بردند پس این فلسفه جهاد و امر به معروف و نهی از منکر می باشد البته این تعبیر در دوجای قران کریم آمده در جای

دیگر نیز اینطور گفته شده: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup> یعنی اگر خداوند متعال جهاد و دفاع را واجب نمی کرد سطح زمین را فساد فرا می گرفت.

خب و اما مقداری از عبارت جواهر را بخوانیم تا مطلب روشن شود، صاحب جواهر در این رابطه اینطور فرموده: «لو وقف على الكنائس والبيع التي هي معابدهم فإنه لم يصح بلا خلاف أجده فيه بل عن ظاهر المبسوط والغنية نفية بين المسلمين لكونه إعانة لهم على ما هو محرم عليهم من التعبيد فيها ونحوه وبذلك افترق عن الوقف عليهم لا بقصد شيء من ذلك وإن صرفوهم في المحرم، وعلى المسلمين أو مصالحهم كمساجدهم وقناطرهم ونحوها مما يستحب إعانتهم عليه هذا»<sup>۴</sup>.

دیروز گفتیم وقف بر خود کفار غیر حربی لغرض خاص مثل رفع بدبینی آنها نسبت به اسلام و مسلمین اشکالی ندارد اما وقف بر بیع و کنائس که عبادتگاه آنهاست اعانه بر اثم و حرام است و با وقف قابل جمع نیست.

صاحب جواهر در ادامه کلام شهید در مسالک را نقل می کند و می فرماید شما می فرمائید وقف بر بیع و کنائس صحیح نیست ولی از طرفی در کتاب جهاد گفته اید اگر ما با اهل کتاب جنگ کنیم و بعد آنها تسلیم و اهل ذمه بشوند و قبول کنند و در زیر سیطره ما باشند در این صورت خودشان می توانند کنائس و بیع خودشان را آباد کنند، کلام صاحب جواهر این است: «ولكن في المسالك بعد أن ذكر وجه المنع بنحو ما قلناه قال: وأما تعليل المنع. بأن من جملة مصرف الوقف عمارتها وهي محرمة، بخلاف عمارة المساجد، وباقي مصالح أهل الذمة. فغير مطرد، لأن من الكنائس ما يجوز لهم عمارتها بل هو الأغلب في بلاد الإسلام، وتخصيصه بكنيسة لا يجوز إحداثها كالحادثة في أرض الإسلام، أو أرضهم بعيد عن الإطلاق من غير ضرورة، وفيه

<sup>۳</sup> سوره بقره، آیه ۲۵۱.

<sup>۴</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۳۴.

<sup>۱</sup> تحریر الوسيلة، الامام الخميني، ج ۲، ص ۷۱، مسئله ۳۹.

<sup>۲</sup> سوره حج، آیه ۴۰.

أن عدم منعنا لهم عن ذلك لكونه من مقتضى عقد الذمة ، لا يقتضي الجواز لهم في الواقع ، بل هو محرم عليهم ، وحينئذ لا يجوز الوقف منا لهم على هذه الجهة ، بالإعانة على الإثم ، نعم لا بأس في الوقف على المصالح الراجعة إليهم الجائزة لهم كبناء دورهم ونحوها ، لأنه كالوقف عليهم»<sup>۵</sup>.

صاحب جواهر در ادامه به سراغ وقف بر معونة الزناة فی زناهم و وقف برای کتابت تورات و انجیل می رود و اینطور می فرماید: «وكد لك في عدم الصحة لو وقف على معونة الزناة في زناهم من المسلمين فضلا عن غيرهم ، أو قطاع الطريق أو شاري الخمر أو غيرهم لاشتراكهم معهم في الدليل الذي هو النهي عن الإعانة على الإثم ، والوقف بهذا القصد فرد منها ، فبناء على اعتبار القرية فيها فالأمر واضح ، وعلى العدم يبطل لكون النهي عنه نفسه باعتبار أنه إعانة ، نحو ما سمعته في المادة وكذا لو وقف على كتب ما يسمى الآن بالتوراة ، والإنجيل بلا خلاف»<sup>۶</sup>.

بحث وقف بر کتابت تورات و انجیل مبسوط و مفصل می باشد عدم جواز وقف برای کتابت تورات و انجیل از این جهت که منسوخ هستند نمی باشد بلکه از این جهت است که تحریف شده اند و ساخته دست بشر هستند، در مورد تورات و انجیل بحثهای فراوانی مطرح شده؛ اولاً اینکه در قران آیات مثبتی درباره این دو کتاب داریم که تجلیل و تکریم کرده مثلاً گفته شده: ﴿وَاتَيْنَا الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ﴾<sup>۷</sup> و یا: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ﴾<sup>۸</sup> و یا: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ وَعْدٌ عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>۹</sup>

که قران و تورات و انجیل در کنار هم ذکر شده خلاصه در جای جای قران تکریم و تمجید در قران وجود دارد. ثانیاً از طرفی در قران ذکر شده که اینها کتب خود را تحریف کرده اند، تورات و انجیل در زمان خودشان مانند قران مقدس بوده اند بوده اما بعدها تحریف شده اند ولی قران ما تحریف نشده زیرا خداوند قول داده که قران را حفظ کند و همین قران از زمان پیغمبر بوده تا الان و در طول تاریخ نیز تحریف نشده و دلائلی که برخی برای تحریف قران بیان کرده اند مردود می باشد، آیت الله العظمی آقای خوئی در تفسیر البیان بحث خیلی خوبی در عدم تحریف قران دارد.

در مورد تورات و انجیل در چند جای قران ذکر شده که یهود و نصاری این دو کتاب را تحریف کرده اند: ﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾<sup>۱۰</sup> و ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾<sup>۱۱</sup> و ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾<sup>۱۲</sup>.

در تورات چند ایراد وجود دارد که با عقل جور در نمی آید؛ اول تناقض، دوم نسبت دادن اموری به خداوند متعال مثلاً کشتی گرفتن خدا با حضرت یعقوب! و سوم نسبت دادن بعضی از معاصی به انبیاء الهی، اگر شما تورات را مطالعه کنید می بینید که بیشتر شبیه تاریخ است و اصلاً شبیه کلام خدا نیست اما قران کلام خداست و خداوند به پیغمبر می گوید تو از جانب من به مردم بگو، آیت الله طباطبائی دارد که در تورات از اول تا آخرش هیچ اسمی از آخرت و معاد برده نشده آیا می شود یکی دینی از ادیان الهی باشد اما هیچ اسمی از معاد و بهشت و جهنم در کتاب آسمانی آن برده نشده باشد؟! بنابراین ما باید تورات و انجیل را بشناسیم و نقاط ضعف و تحریفات آنها را بدانیم و در مقابل آنها بحث کنیم، علی ای حال وقف برای نوشتن تورات و انجیل صحیح نمی باشد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

<sup>۵</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۳۵.

<sup>۶</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۳۵.

<sup>۷</sup> سوره مائده، آیه ۴۶.

<sup>۸</sup> سوره مائده، آیه ۴۴.

<sup>۹</sup> سوره توبه، آیه ۱۱۱.

<sup>۱۰</sup> سوره نساء، آیه ۴۶.

<sup>۱۱</sup> سوره مائده، آیه ۱۳.

<sup>۱۲</sup> سوره مائده، آیه ۴۱.